

کتاب دانیال - شماره سی و هفت

احیای حقایق اصیل: پرده برداری از رویای ویلیام میلر و خیزش دوباره نبوت در روزهای آخر

Jeff Pippenger

2024-01-01

خواب ویلیام میلر در کتاب «نوشته‌های نخستین» گنجانده شده بود و از این رو باید تحت همان تحلیل و کاربرد نبوی قرار گیرد که انجامش بر عهده دانشجویی است که می‌کوشد کلام حق را به درستی تقسیم کند. این خواب طی سال‌ها بارها توسط «America» for America ارائه شده است، اما در اینجا آن را در چارچوب مطالعه «افزایش معرفت» قرار می‌دهیم که در «زمان پایان» در سال 1798 گشوده شد. این خواب به تاریخ پیامی می‌پردازد که نمایانگر همان معرفت افزوده شده بود. همچنین پیوندی میان جنبش‌های پیام فرشته نخست و فرشته سوم را نشان می‌دهد.

رؤیای ویلیام میلر کار او را مشخص می‌کند، و کار او در آغاز اسرائیل باستان با کار موسی تمثیل شده بود. تحقق رؤیای میلر در ایام آخر، با کار مسیح در ایام پایانی اسرائیل باستان تمثیل شده بود. کاری که مسیح در پایان اسرائیل باستان انجام داد، نمایانگر کاری است که مسیح در ایام آخر اسرائیل روحانی انجام می‌دهد. در رؤیای میلر، کاری که در ایام آخر انجام می‌شود، به صورت انجام شدن آن توسط «مردِ جاروی غبار» نمایانده شده است. ضروری است رؤیای میلر به عنوان پیشگویی تحقق فریاد نیمه‌شب در ایام آخر شناخته شود. همچنین ضروری است دریابیم که کار مسیح برای اسرائیل باستان در ایام پایانی آنان، نمونه‌ای از کار «مردِ جاروی غبار» در رؤیای میلر بود.

یکی از جنبه‌های کار مسیح که توجه به آن مهم است این است که او نه تنها مهر و موم حقایق مدفون از زمان موسی را گشود، بلکه هم‌زمان همان حقایق اولیه را بزرگ داشت. با این کار، نمونه‌ای گذاشت که وقتی قوم خدا در ایام آخر رؤیای میلر را تحقق بخشند، حقایقی که از طریق کار میلر تثبیت شد، فراتر از فهم اولیه‌شان بسط یابند.

در زمان نجات‌دهنده، یهودیان چنان گوهرهای گران‌بهای حقیقت را با خاشاک سنت و افسانه پوشانده بودند که تمایز دادن راست از ناراست ناممکن شده بود. نجات‌دهنده آمد تا خاشاک خرافه و خطاهای دیرینه عزیزشمرده را برود و گوهرهای کلام خدا را در چارچوب حقیقت جای دهد. اگر نجات‌دهنده اکنون همان‌گونه که نزد یهودیان آمد نزد ما بیاید، چه خواهد کرد؟ او باید کاری مشابه انجام دهد و خاشاک سنت و تشریفات را بزدايد. یهودیان هنگامی که او این کار را انجام داد، سخت برآشفته شدند. آنان حقیقت اصیل خدا را از نظر گم کرده بودند، اما مسیح بار دیگر آن را پیش چشم آورد. کار ما این است که حقایق گران‌بهای خدا را از خرافه و خطا برهانیم. چه کاری در انجیل به ما سپرده شده است! ۴، Review and Herald، ژوئن ۱۸۸۹.

امروز مردِ برس خاک‌روبی (مسیح) در حال انجام «کاری مشابه در پاک‌سازی زباله‌های سنت و مراسم» است، چنان‌که شیر قبیله یهودا (مسیح) در زمان یهودیان انجام داد. در رؤیای میلر، جواهرات گران‌بهای حقیقت که در صندوقچه کلام خدا به طور کامل چیده شده بودند، با زباله و جواهرات تقلبی پوشیده شدند. آن جواهرات می‌بایست از میان زباله بیرون آورده شوند و در دوران فریاد نیمه‌شب روزهای آخر دوباره در صندوقچه بزرگ‌تر کلام خدا قرار گیرند، زیرا وقتی میلر به جواهرات بازآرسته در صندوقچه بزرگ‌تر نگرست، «با شادی بسیار فریاد زد، و همان فریاد او را بیدار کرد». رؤیای میلر در سال ۱۸۴۷ رخ داد، سه سال پس از فریاد نیمه‌شب فرشته اول، پس بیدار شدن او در رؤیا همان فریاد نیمه‌شب روزهای آخر است. آن فریاد نیمه‌شب را دو شاهدی اعلام می‌کنند که به دست وحشی که از چاه

بی‌انتها بالا آمد کشته شده بودند و سه روز و نیم در خیابان مرده بودند، تا آنکه با هم شکل گرفتند و سپس در دره استخوان‌های خشک مردگان زنده شدند و آنگاه چون علمی برافراشته شدند. رؤیای میلر در همان خیابان، و در همان دره‌ای که او آن را «اتاقش» می‌نامد، تحقق می‌یابد.

در تاریخ پیروان میلر، خداوند میلر را به کار گرفت تا حقایق اولیه ادونتیسیم را بنیان نهد، اما رؤیای او نشان می‌داد که با گذشت زمان آن حقایق مدفون خواهند شد. این پدیده کنار زدن پیرایه‌های سنت و عادت همان کاری است که مسیح در پایان اسرائیل باستان انجام داد، و با این کار نمونه‌ای از تحقق نهایی رؤیای ویلیام میلر را نمودار ساخت.

یهودیان از «حقیقت نخستین خدا» غافل شده بودند، «اما مسیح آن را دوباره آشکار ساخت»، و مسیح کار خود را «کار ما» دانست. کار ما این است که «حقایق گران‌بهای خدا را از قید خرافه و خطا آزاد کنیم». رؤیای ویلیام میلر مراحل کشف، عرضه و رد شدن، و نیز احیای حقایق نخستین را نشان می‌دهد. برای به انجام رساندن کار احیا، مسیح حقیقت را در «چارچوب حقیقت» قرار داد. «چارچوب حقیقت» برای ویلیام میلر، فهم او از دو قدرت ویرانگر بت‌پرستی و پاپی‌گری بود. در روزهای آخر، «چارچوب حقیقت» عبارت است از سه قدرت ویرانگر اژدها، وحش و پیامبر کاذب.

«هنگامی که مسیح به جهان آمد تا دین راستین را عینیت بخشد و اصولی را که باید بر دل‌ها و اعمال انسان‌ها حکم‌فرما باشد برافرازد، باطل چنان بر کسانی که از چنان نوری عظیم برخوردار بودند چنگ انداخته بود که دیگر آن نور را در نمی‌یافتند و هیچ تمایلی نداشتند که سنت را به سود حقیقت واگذارند. آنان آموزگار آسمانی را رد کردند، خداوند جلال را مصلوب کردند تا بتوانند رسوم و ساخته‌های خود را حفظ کنند. همین روح امروز نیز در جهان آشکار است. آدمیان از کاوش در حقیقت بیزارند، مبدا سنت‌هایشان برهم خورد و نظم نو پدید آید. در انسان همواره آمادگی لغزش وجود دارد، و انسان‌ها به طور طبیعی گرایش دارند که اندیشه‌ها و دانش بشری را بسیار برافرازند، در حالی که امر الهی و جاودانه نه شناخته می‌شود و نه قدر می‌بیند.» رهنمودها درباره کار مدرسه سبت، ۴۷.

اگر مسیح امروز به جهان می‌آمد، «همان روح» بزرگ‌داشت اندیشه‌ها و دانش انسانی را می‌یافت که سنت را به جای حقیقت نشانده است. در خواب میلر، در روزهای آخر، مسیح در هیئت یک رفتگر می‌آید تا عیناً همان کار را به انجام رساند. وقتی کار او به‌عنوان رفتگر به انجام برسد، گوهرهای اصلی ده برابر خورشید خواهند درخشید، آنگاه که دو شاهد، که میلر نماینده آنان است، با بانگ فریاد بلند بیدار می‌شوند.

چارچوب حقیقتی که به میلر داده شد، ساختار نبوی دو قدرت ویرانگر بود، و چارچوب حقیقتی که به فیوچر فور آمریکا داده شده، ساختار نبوی سه قدرت ویرانگر است. «کلیدی» که به صندوقچه متصل شده بود، همان روش ویژه‌ای بود که مهر و موم آن گشوده شد و به میلر داده شد و پس از آن به فیوچر فور آمریکا داده شد.

در روزگار مسیح، کلید معرفت را کسانی از میان برداشته بودند که می‌بایست آن را نگاه می‌داشتند تا خزانه حکمت مندرج در کتب عهد عتیق را بگشایند. ربیان و آموزگاران عملاً در ملکوت آسمان را بر فقیران و رنج‌دیدگان بسته و آنان را واگذاشته بودند تا هلاک شوند. مسیح در گفتارهای خود، مطالب بسیار را یکباره پیش رویشان نمی‌نهاد تا مبدا ذهنشان دچار آشفتگی شود. او هر نکته‌ای را روشن و مشخص بیان می‌کرد. اگر تکرار حقایق کهن و آشنا در پیشگویی‌ها در خدمت هدفش برای القای اندیشه‌ها بود، از آن ابا نداشت.

مسیح سرچشمه همه گوهرهای کهن حقیقت بود. به واسطه کار دشمن، این حقایق از جای خود جابه‌جا شده بودند؛ از جایگاه حقیقی خویش گسسته و در چارچوب خطا جای داده شده بودند. کار

مسیح این بود که این گوهرهای گران بها را بازسامان دهد و در چارچوب حقیقت استوار سازد. اصول حقیقتی که خود او برای برکت جهان عطا کرده بود، به واسطه دخالت شیطان مدفون شده و ظاهراً از میان رفته بودند. مسیح آنها را از خاکروبه خطا بیرون کشید، به آنها نیروی نو و حیاتی بخشید، و فرمان داد که چون جواهرات گران بها بدرخشند و تا ابد پایدار بمانند.

خود مسیح می‌توانست هر یک از این حقایق کهن را بی‌آنکه کوچک‌ترین ذره‌ای وام بگیرد به کار گیرد، زیرا او همه آنها را پدید آورده بود. او آنها را در ذهن‌ها و اندیشه‌های هر نسل افکنده بود، و هنگامی که به جهان ما آمد، حقایقی را که به مردگی گراییده بودند دوباره سامان داد و به آنها جان تازه بخشید، و برای منفعت نسل‌های آینده آنها را نافذتر ساخت. این عیسی مسیح بود که قدرت رهانیدن حقایق از زیر خاکروبه را داشت و بار دیگر آنها را با طراوت و قدرتی بیش از حالت نخستین‌شان به جهان عرضه کرد. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۱۳، ۲۴۰، ۲۴۱.

در فراز پایانی جالب است که توجه کنیم کلیدی که مسیح در پایان دوره اسرائیل باستان به کار برد، برای گشودن عهد عتیق بود. کلید روش‌شناسی میلر صندوقچه عهد عتیق و عهد جدید را گشود، اما در ایام آخر، در پایان رؤیای او، صندوقچه بزرگ‌تر است. کلید روش‌شناسی در ایام آخر نه تنها عهد عتیق و عهد جدید، بلکه روح نبوت را نیز می‌گشاید. مهرگشایی مکاشفه عیسی مسیح، درست پیش از پایان مهلت فیض، به دست شیر قبیله یهودا انجام می‌شود؛ همان که در رؤیای میلر به صورت مردی با جاروی خاک‌روبی نمایانده شده است. خواهر وایت تصریح می‌کند که کار آن مرد جاروی خاک‌روبی درست پیش از پایان مهلت فیض رخ می‌دهد.

خداوند در بیست‌وششم ژانویه مکاشفه‌ای به من داد که آن را بازگو می‌کنم. دیدم که برخی از قوم خدا نادان و خفته بودند؛ تنها نیمه‌بیدار بودند و درک نمی‌کردند در چه زمانی زندگی می‌کنیم؛ و اینکه «مرد» با «جاروی خاکروبه» داخل شده بود و بعضی در خطر روبیده شدن بودند. از عیسی تمنا کردم که نجاتشان دهد، اندکی دیگر به آنان مهلت دهد، و بگذارد خطر هولناک‌شان را ببینند تا پیش از آنکه برای همیشه دیر شود، آماده شوند. فرشته گفت: «هلاکت همچون گردبادی نیرومند می‌آید.» از فرشته تمنا کردم بر آنان که این جهان را دوست می‌دارند و به دارایی‌های خود دل‌بسته‌اند و نمی‌خواهند از آنها دست بکشند و آنها را قربانی کنند تا پیام‌آوران را در راهشان شتاب بخشند، تا گوسفندان گرسنه‌ای را که از فقدان خوراک روحانی در حال هلاک شدن‌اند، خوراک دهند، رحم آورد و نجاتشان دهد.

«وقتی دیدم جان‌های بیچاره‌ای از فقدان حقیقت حاضر در حال جان دادن‌اند، و برخی که مدعی ایمان به حقیقت بودند با دریغ کردن وسایل لازم برای پیشبرد کار خدا آنان را وامی‌گذاشتند تا بمیرند، آن منظره بیش از حد دردناک بود و از فرشته التماس کردم آن را از نظرم بردارد. دیدم که وقتی کار خدا از آنان بخشی از دارایی‌شان را می‌طلبید، مانند جوانی که نزد عیسی آمد [متی ۱۹:۱۶-۲۲]، غمگین کنار می‌کشیدند؛ و اینکه به زودی تازیانه فراگیر می‌گذرد و همه دارایی‌هایشان را می‌روید، و آن‌گاه دیگر برای فدا کردن اموال زمینی و اندوختن گنجی در آسمان دیر خواهد شد.» ریویو اند هرالد، ۱ آوریل ۱۸۵۰.

«تازیانه‌ی فراگیر» نمادی از قانون یکشنبه‌ای است که به زودی فرا می‌رسد، و کار مرد جاروی گرد و خاک در خواب میلر، درست پیش از بسته‌شدن مهلت صورت می‌گیرد. هنگامی که او اتاق را پاک کرده است، آنگاه گوهرها را دوباره به صندوقچه بزرگ‌تر بازمی‌افکند، و آن‌گاه آن‌ها ده برابر درخشان‌تر از خورشید می‌درخشند. دانیال و آن سه تن شایسته ده برابر بهتر از دیگران یافت شدند.

و چون روزهایی که پادشاه مقرر کرده بود تا آنان را به حضور بیاورند، به پایان رسید، سرور خواجه سرایان ایشان را به حضور نبوکدنصر آورد. و پادشاه با ایشان گفتگو کرد؛ و در میان همگان، هیچ‌کس مانند دانیال و حنیا و میثائیل و عزریا یافت نشد؛ از این‌رو ایشان در حضور پادشاه

ایستادند. و در هر امر حکمت و فهم که پادشاه از ایشان می‌پرسید، ایشان را ده برابر بهتر از همهٔ ساحران و منجمان سراسر قلمرو او یافت. دانیال ۱:۱۸-۲۰.

"پایان روزها" برای دانیال همان سنگ محکی بود که در آن نیوکدنصر داوری کرد، و آن آزمون نماذ قانون یکشنبه در آخرالایام است. حقایق اصیل و بنیادین، هنگامی که در آخرالایام احیا شوند، ده برابر درخشان‌تر از زمانی خواهند درخشید که نخستین بار شناخته شدند. حقایق و خردمندانی که آن حقایق را در آخرالایام درمی‌یابند، در دوران باران آخر که تکرار فریاد نیمه‌شب است، ده برابر درخشان‌تر خواهند درخشید.

شما آمدن خداوند را بیش از حد دور می‌انگارید. من دیدم که باران آخر [به همان ناگهانی که] فریاد نیمه‌شب، و با ده برابر قدرت می‌آید. اسپالدینگ و مگن، ۵.

احیای حقایق اصیل از طریق به‌کارگیری روش باران آخر «خط بر خط» تحقق می‌یابد. پس از احیا، این حقایق اصیل «ده برابر» درخشان‌تر از زمانی می‌درخشند که میلر نخستین بار به آن‌ها نگریست. خردمندانی که برای احیای حقایق اصیل از کلید روش‌شناسی استفاده می‌کنند، تجربه‌ای «ده برابر» بهتر از کسانی به دست می‌آورند که از روش‌شناسی پابل تغذیه می‌کنند. کسانی که به وسیلهٔ مرد جاری خاک جاروب می‌شوند، همان‌هایی‌اند که به سنت‌ها و رسومی دل بسته‌اند که حقیقت اصلی را پوشانده‌اند، و با خطاهای همان سنت‌ها و رسومی که به آن‌ها دل بسته‌اند، پاک‌سازی و بیرون رانده می‌شوند.

آموزهٔ باطل بت است.

"با ردّ حقیقت، مردم پدیدآورندهٔ آن را رد می‌کنند. با پایمال کردن قانون خدا، اقتدار قانون‌گذار را انکار می‌کنند. بت ساختن از آموزه‌ها و نظریه‌های باطل به همان اندازه آسان است که بت ساختن از چوب یا سنگ." مناقشهٔ بزرگ، ۵۸۴.

حکمی که دربارهٔ افزایش صادر شد و پایان زمان مهلت افزایش را رقم زد، درستی کاری را که رفتگر هنگام جارو کردن زمین انجام می‌دهد برجسته می‌کند.

افزایش به بت‌ها پیوسته است؛ او را به حال خود بگذارید. هوشع ۴:۱۷.

تو همان چیزی هستی که می‌خوری، چنان‌که دانیال و سه مرد شایسته نشان دادند. دلواپسی خواهر وایت دربارهٔ کسانی که «احمق و خفته» بودند، به کمبود آمادگی آنان و ناتوانی‌شان در تشخیص اهمیت «حقیقت حاضر» مربوط می‌شد. این دلواپسی بازتاب نگرانی مسیح دربارهٔ یهودیان خرده‌گیر روزگار خودش بود که به کلی از حقایق اصیل غافل شده بودند. رویای میلر پایان اسرائیل روحانی معاصر را مشخص می‌کند؛ چیزی که نمونه‌اش در اسرائیل جسمانی باستان نمود یافته است.

کاتبان و فریسیان مدعی بودند که کتاب مقدس را تفسیر می‌کنند، اما آن را مطابق با اندیشه‌ها و سنت‌های خود تفسیر می‌کردند. رسوم و اصولشان بیش‌ازپیش سخت‌گیرانه شد. در معنای روحانی‌اش، کلام مقدس برای مردم همچون کتابی مهر و موم‌شده شد که بر درک آنان بسته بود. نشانه‌های زمان، ۱۷ مه ۱۹۰۵.

از سال ۱۸۶۳، تاریکی فزاینده‌ای بر ادونتیسیم لاودیکه‌ای سایه افکنده است و کتاب مقدس و روح نبوت برای آنان همچون کتابی مهرشده درآمده است. اندکی پیش از بسته شدن مهلت فیض، مکاشفه عیسی مسیح مهرش گشوده می‌شود و فرایند آزمایشی سه‌مرحله‌ای را پدید می‌آورد که در نهایت، کسانی که از رها کردن بت‌های رسوم و سنت خویشتن امتناع می‌ورزند، با برقراری قریب‌الوقوع قانون یکشنبه از میان روبیده می‌شوند.

ما نجات‌دهنده‌ای نامتناهی داریم، و چه گرانبها هستند گوهرهای حقیقتی که در کلام خدا بر این امر شهادت می‌دهند. اما این جواهر گرانبها زیر انبوهی از زباله‌ها و سنت‌ها و بدعت‌ها، که خود شیطان آنها را پدید آورده است، مدفون شده‌اند. نقشه‌های او با نیرویی عجیب بر اذهان انسان‌ها کار می‌کنند تا ارزش مسیح را برای کسانی که به او ایمان دارند تیره سازند. دشمن خدا و انسان بر کسانی که مدعی پیروی از مسیح‌اند افسون افکنده است، تا آنجا که دربارهٔ بسیاری می‌توان گفت: «زمان تفتیش خود را نمی‌شناسند.» ۱۶، Review and Herald، اوت ۱۸۹۸.

رویای میلر تاریخ استقرار «حقایق اصلی»، ردّ متعاقب آنها، و سپس اعادهٔ نهایی‌شان را به تصویر می‌کشد. درست پیش از پایان مهلت، «مردِ جاروی خاک» وارد صحنه می‌شود و حقایق اصلی را دوباره برقرار می‌کند و آنها را «ده برابر» درخشان‌تر می‌سازد. این امر در جریان تاریخ ندای نیمه‌شب رخ می‌دهد؛ ندایی که بر ندای بلند فرشتهٔ سوم در هنگام قانون یکشنبه مقدم است. ندای نیمه‌شب دوشیزگان را پیشاپیش قانون یکشنبه بیدار و جدا می‌کند؛ همان‌گونه که در تاریخ جنبش میلر، ندای نیمه‌شب بر گشایش داوری تفتیشی مقدم بود. هنگامی که جواهرات دوباره به صندوقچه بزرگ‌تر بازسازی شده افکنده می‌شوند، دیگر دیر شده است، زیرا آن رویداد «پس از» آن رخ می‌دهد که کف اتاق کاملاً جارو شده است.

گرد و غبار و خاشاکِ خطا گوهرهای گران‌بهای حقیقت را به خاک سپرده‌اند، اما خادمان خداوند می‌توانند این گنج‌ها را آشکار سازند تا هزاران تن با شادمانی و حیرت بر آنها نظر افکنند. فرشتگان خدا در کنار خادم فروتن خواهند بود و فیض و روشنایی الهی عطا خواهند کرد، و هزاران نفر برانگیخته خواهند شد تا با داود چنین دعا کنند: «چشمانم را بگشا تا عجایب شریعتت را ببینم.» حقایقی که طی قرن‌ها نادیده و مورد بی‌اعتنایی بوده‌اند، از صفحات نورانی کلام مقدس خدا شعله‌ور خواهند شد. کلیساها، به طور کلی، که حقیقت را شنیده، رد کرده و آن را پایمال نموده‌اند، شریانه‌تر عمل خواهند کرد؛ اما «خردمندان»، یعنی آنان که صادق‌اند، خواهند فهمید. کتاب گشوده است، و سخنان خدا به دل‌های آنان که خواهان دانستن اراده او هستند می‌رسد. با فریاد بلند آن فرشتهٔ آسمانی که به فرشتهٔ سوم می‌پیوندد، هزاران نفر از رختی که قرن‌ها جهان را در چنگ خود داشته است بیدار خواهند شد و زیبایی و ارزش حقیقت را خواهند دید. ریویو اند هرالذ، ۱۵ دسامبر ۱۸۸۵.

«هزاران نفری» که سپس بیدار می‌شوند، نمایندهٔ گلهٔ دیگر خدا هستند که هنوز در بابل‌اند، زیرا «فریاد بلند» از هنگام قانون یکشنبه آغاز می‌شود. کار «مردِ جاروی خاک» از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در جریان بوده است و از ژوئیهٔ ۲۰۲۳ به این سو حتی بیشتر هم شده است.

رسول می‌گوید: «تمامی کتاب مقدس از الهام خداست و برای تعلیم، برای توبیخ، برای اصلاح، و برای تربیت در عدالت سودمند است، تا مرد خدا کامل باشد و برای هر کار نیکو به کلی مجهز.» کتاب مقدس خود مفسر خویش است. یک آیه به کلیدی بدل خواهد شد که آیات دیگر را بگشاید و به این ترتیب نوری بر معنای نهفته کلام افکنده خواهد شد. با مقایسهٔ متن‌های گوناگون که به یک موضوع می‌پردازند و نگرستن به ارتباطشان از هر سو، معنای حقیقی کتب مقدس آشکار خواهد شد.

بسیاری می‌پندارند که برای فهم معنای کلام خدا باید به تفاسیر کتاب مقدس رجوع کنند، و ما نیز بر این موضع نیستیم که نباید تفاسیر مطالعه شوند؛ اما تشخیص فراوان لازم است تا زیر انبوه سخنان آدمیان، حقیقت خدا کشف شود. چقدر اندک کار از سوی کلیسا، به‌عنوان پیکره‌ای که مدعی ایمان به کتاب مقدس است، برای گردآوردن جواهرات پراکندهٔ کلام خدا در یک زنجیرهٔ کامل حقیقت انجام شده است! گوهرهای حقیقت، برخلاف پندار بسیاری، بر سطح قرار ندارند. طراح اصلی در هم‌پیمانی شر پیوسته در کار است تا حقیقت را از نظر پنهان نگه دارد و دیدگاه‌های

مردان بزرگ را به تمامی در برابر دیدگان بنهد. دشمن با تمام توان می‌کوشد تا از طریق فرایندهای آموزشی نور آسمان را تیره و تار سازد؛ زیرا نمی‌خواهد که انسان‌ها آواز خداوند را بشنوند که می‌گوید: «این است راه، در آن گام بردارید.»

گوهرهای حقیقت بر عرصه وحی پراکنده افتاده‌اند؛ اما زیر سنت‌های بشری، زیر اقوال و فرامین انسان‌ها مدفون شده‌اند، و حکمت آسمانی عملاً نادیده گرفته شده است؛ زیرا شیطان توانسته است جهان را به این باور برساند که سخنان و دستاوردهای انسان‌ها از اهمیت بسزایی برخوردارند. خداوند خدا، آفریننده جهان‌ها، به بهایی بی‌نهایت، انجیل را به جهان عطا کرده است. به واسطه این وسیله الهی، چشمه‌های شادی بخش و جان‌فزای تسلی آسمانی و دل‌داری ماندگار برای کسانی که به سرچشمه حیات می‌آیند گشوده شده است. هنوز رگه‌هایی از حقیقت برای کشف شدن باقی مانده است؛ اما امور روحانی به گونه‌ای روحانی تشخیص داده می‌شوند. ذهن‌هایی که با شر تیره شده‌اند، نمی‌توانند ارزش حقیقت را، چنان‌که در عیسی است، دریابند. ریویو اند هرالد، اول دسامبر ۱۸۹۱.

کار مسیح، همان‌گونه که در رؤیای میلر به صورت «مردِ جاروی خاک» به تصویر کشیده شده، دو وجه دارد: زدودن خطا و بازگرداندن حقایق اصیل. زدودن خطا نیز خود دو وجه دارد، زیرا وقتی خطا از پنجره بیرون جارو می‌شود، کسانی را که انتخاب کرده‌اند به آن خطاها وابسته بمانند نیز با خود می‌برد. کار جداسازی‌ای که به دست مردِ جاروی خاک صورت می‌گیرد، موضوعی است که ارمیا نیز بدان پرداخته است، و شهادت او با گفته‌های خاھر وایت هم‌خوانی دارد، آن‌گاه که او گفت: «کارکنان خداوند می‌توانند این گنج‌ها را آشکار کنند تا هزاران تن با شادمانی و شگفتی به آنها بنگرند.»

پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، تو را باز خواهم آورد و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر نفیس را از پست بیرون آوری، چون دهان من خواهی بود؛ بگذار آنان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان باز مگرد. ارمیا ۱۹:۱۵.

زمینه این بخش در کتاب ارمیا خطاب به کسانی است که نخستین سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را تجربه کرده‌اند. این تنها مردِ جاروی خاک نیست که نفیس را از پست جدا می‌کند، بلکه همچنین کار کسانی است که ارمیا نماینده آنان است؛ کسانی که چنین تصویر شده‌اند که تصمیم می‌گیرند آیا به سوی خداوند بازگردند یا بازنگردند. آنان آشکارا با خداوند نبوده‌اند، زیرا اگر با او راه می‌رفتند، دلیلی برای بازگشت وجود نداشت. وقتی بازگردند و در حضور خداوند بایستند و پس از آن سخنگوی او شوند، کاری را به انجام رسانده‌اند که نفیس را از پست جدا می‌کند. کار «مردِ جاروی خاک» به مشارکت حکیمان نیاز دارد. کار «مردِ جاروی خاک» در خواب میلر نیز هنگامی تصویر می‌شود که مسیح خرمناگه خود را از راه فرایند پالایش پاک می‌کند.

«نمی‌توانم بگویم این فرایند پالایش دقیقاً چه زمانی آغاز خواهد شد، اما چندان به تعویق نخواهد افتاد. آن‌که بادزن در دست دارد، هیكل خود را از ناپاکی اخلاقی پاک خواهد کرد. او خرمناگه خود را کاملاً پاک خواهد کرد.» شهادت برای خادمان، 372، 373.

"فرایند پالایش" نهایی در ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز شد و این فرایند پالایش باب سوم ملاکی است.

ملاکی ۱:۳-۴ نقل شده است.

«فرایند پالایش و تطهیر در میان قوم خدا در جریان است، و خداوند لشکرها دست خود را بر این کار نهاده است. این فرایند برای جان بسیار آزماینده است، اما لازم است تا ناپاکی زدوده شود. آزمایش‌ها ضروری‌اند تا ما، در تسلیم به اراده او، به پدر آسمانی خود نزدیک شویم، تا بتوانیم برای خداوند قربانی‌ای در عدالت تقدیم کنیم. کار خدا در پالایش و تطهیر جان باید ادامه یابد تا خادمان او چنان فروتن، چنان نسبت به نفس خود مرده شوند که چون به خدمت فعال فراخوانده

شوند، نگاهشان تنها معطوف به جلال خدا باشد.» ۱۰، Review and Herald، آوریل ۱۸۹۴.

رویای دوم میلر بازگردانی حقایق اولیه و نیز بازگردانی هم‌زمان قومی را که پراکنده شده‌اند نشان می‌دهد. رویای دوم نیوکدنصر بازگردانی پادشاهی او را نشان می‌دهد. رویای میلر به مدفون شدن حقایق اولیه می‌پردازد و آن را با این تعبیر بیان می‌کند که آن حقایق "پراکنده" شده‌اند. واژه "پراکنده" نمادی از "هفت زمان" است. رویای نیوکدنصر درباره "پراکندگی" "هفت زمان" است. نیوکدنصر در سال ۱۷۹۸ در زمان پایان قرار داده می‌شود و در آنجا نمایانگر مردی توبه‌کرده است. میلر نما "خردمندان" در سال ۱۷۹۸ است.

ما رویای میلر را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

وقتی در موضع اختلاف با دیگران قرار می‌گیریم، یا دیگران اختلاف خود را با نظر ما ابراز می‌کنند، باید روحیه‌ای مسیحی نشان دهیم و این حقیقت را برجسته بداریم که می‌توانیم آرام و منصف باشیم؛ زیرا حقیقت تاب بررسی را دارد. هرچه بیشتر مطالعه شود، نورش درخشان‌تر خواهد تابید. خداوند از هر آنچه رنگ تند و خشونت دارد ناخشنود است و سرزنش خود را متوجه کسانی می‌کند که بر آنان که با ایشان اختلاف رأی دارند، تحقیر و ملامت روا می‌دارند و ایشان را در بدترین نور ممکن جلوه می‌دهند. تمام آسمان به چنین کسانی همان‌گونه می‌نگرد که به فریسیان می‌نگریست، و ایشان را ناآگاه از کتاب مقدس و قدرت خدا اعلام می‌کند. دشمنان حقیقت نمی‌توانند حقیقت را به خطا بدل کنند. ممکن است بر حقیقت لگدمال کنند و بیندیشند چون آن را به زمین افکنده و با خاکروبه پوشانده‌اند، مغلوب شده است؛ اما خدا برخی از وفاداران خود را برمی‌انگیزد تا چنان که مسیح هنگامی که بر زمین بود کرد، خاکروبه را کنار بزنند و حقیقت را به جایگاه شایسته‌اش در چارچوب حقیقت بازگردانند.

در محافل که حقیقت موضوع گفت‌وگو است، کسانی خواهند بود که با هر آنچه آن را حقیقت نامیده‌اند مخالفت کنند؛ و در حالی که به خود می‌بالند که تنها با خطا می‌جنگند، نیاز دارند با گوش‌های بی‌تعصب بشنوند تا دریابند حقیقت چیست و آنچه گفته می‌شود را تحریف و سوءتعبیر نکنند. پیش چشم آنان نمونه مردمانی در همه اعصار هست که با حقیقت جنگیده‌اند و با این کار، شورا (sic) خدا را بر ضد خود رد کرده‌اند. مسئولیتی سنگین بر دوش مردانی خواهد بود که نور بسیار و فرصت‌های بزرگ داشته‌اند، و با این همه از آن که یک‌سره در جانب خداوند باشند فرو مانده‌اند. اگر جسارت می‌کردند که تماماً در جانب خداوند باشند، در درستکاری محفوظ می‌ماندند، حتی آنگاه که فراخوانده می‌شدند تنها بایستند. او آنان را توانا می‌ساخت که با دلاوری، در پاک‌ی و انصاف، برای اصول دست‌نخورده راستی پیکار کنند. او ایشان را در نبرد برای حق، به خاطر آن که حق است، پایدار می‌داشت، هرچند عدالت در خیابان فرو افتاده باشد و انصاف نتواند داخل شود. آنان درمی‌یافتند چه چیز پاک و بی‌آلایش و مطابق با حیات مسیح است، و در روح، کلام یا عمل از پاک‌ترین اصول مسیحیت روی برنمی‌تافتند، هرچند نه فقط در برابر نادانی، بلکه در برابر کسانی که پرورده و باتجربه بودند و برای خاموش کردنشان از سلاح‌های سفسطه بهره می‌گرفتند، ایستادگی می‌کردند. در تمام این کشاکش خطا با حقیقت، محفوظ می‌مانند و توانا می‌شدند چنان سلوکی را نگاه دارند که دشمنانشان نتوانند انکارشان کنند یا در برابرشان مقاومت ورزند. آنان همچون صخره‌ای بر سر اصل می‌ایستادند، از سازش با هیچ‌کس تن نمی‌دادند، و با این همه روحیه‌ای را که باید در هر مسیحی باشد، حفظ می‌کردند.

«هر که پیرو مسیح است، میان مقدس و عادی تمییز خواهد داد و به شواهد راستین منش و کار انسان تمسک خواهد جست، زیرا مسیح گفته است: «از میوه‌هایشان ایشان را خواهید شناخت.» مسیحی در میان هرگونه مخالفت به پیش خواهد رفت. او چپلوسی را خوار خواهد شمرد، زیرا از شیطان سرچشمه می‌گیرد. او از اتهام‌زنی بیزار خواهد بود، زیرا سلاح آن شریر است. آنان حسد را در دل نخواهند پروراند و در خود بزرگ‌بینی غرق نخواهند شد، زیرا این‌ها ویژگی‌های دشمن خدا و

انسان است. آنان در مقام جاسوس یافت نخواهند شد؛ زیرا شیطان برای انجام این کار بر ضدّ عیسی از یهودیان تحقیرشده استفاده کرد. آنان برادران خود را با سیلی از پرسش‌ها دنبال خواهند کرد، همان‌گونه که یهودیان مسیح را دنبال کردند تا او را در سخنانش گرفتار سازند و برانگیزند که از امور بسیار سخن بگوید، تا مگر او را به‌خاطر یک کلمه مجرم سازند.» مبلغ خانگی، ۱ سپتامبر ۱۸۹۴.